بسم الله الرحمن الرحیم

آيا مذهب شيعه از دين اسلام منحرف شده!

 شيعه زاده اي هستم كه در پي كشف حقيقت درتقلا بودم؛ تناقضات آشكار درمذهب موروثي ام همچنين شبهات متداول درمورد دين اسلام مانعي شده بود تا سالياني متمادي ميان كفروايمان آواره باشم ؛ بسوي گزينه ي ناقصي سوق پيدا كردم علم گرايي ؛تا جايي ادامه پيدا كرد كه شيطان مرا به پرتگاه آتش كشانيد انكار وجودم را فراگرفته بود ؛ به مويي رسيد ولي پاره نشد آن ريسمان نماز وقرآني بود كه گاه گاهي درخلوتم ميخواندم؛لطف خداوند شامل حالم شد تجربه اي كه قادر به بيانش نيستم حقانيت دين اسلام را برمن روشن ساخت وهدايت شدم؛به شكرانه اين نعمت عهد كردم ان شاء الله مبلّغ دين راستين اسلام باشم {وَالسَّلَٰمُ عَلَيٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَيٰٓ- و بر هر كس كه از هدايت پيروي كند درود باد}

تعصب جاهلانه مانع ازدرك حقيقت وتكبرعدم سعادت انسان را بهمراه دارد خواهشاً به مذهب اجداديتان اطمينان نكنيد؛شخصا ازوجه اشتراك همه مسلمانان تحقيق كنيد

{ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا۟ مَآ أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا۟ بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ أَوَلَوْكَانَ الشَّيْطَٰنُ يَدْعُوهُمْ إِلَيٰ عَذَابِ السَّعِيرِ-وچون به آنان گفته شود آنچه را كه خدا نازل كرده پيروي كنيد مي گويند [نه] بلكه آنچه كه پدرانمان را برآن يافته ايم پيروي مي كنيم آياهر چند شيطان آنان را به سوي عذاب سوزان فرا خواند}

قبل ازهرچيزكمال ارادتم را نسبت به رسول گرامي اسلام صلوات الله عليه وخاندان مطهرايشان عليه سلام عرض ميكنم؛دراين مقاله ازآل رسول الله(ص) بنام اهل بيت ؛تمامي اقشارمذهب تشيع وباورها شان بنام شيعه ؛همچنين جهت رفع سوء ظن ازتفاسير(سروش ايمان) وروايات شيعه استفاده شده؛

{قُلْ مَآ أَسْٔئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَيٰ رَبِّهِ سَبِيلًا - بگو بر اين اجري از شما طلب نمي كنم جز اينكه هر كس بخواهد راهي به سوي پروردگارش [در پيش] گيرد} امابعد...

اعتقادات وادعاهاي شيعه را با استناد به آيات مقدس قرآن كريم قياس ميكنيم:

{اللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ(2)نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَٰبَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَيٰةَ وَالْإِنجِيلَ(3)مِن قَبْلُ هُدًي لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا۟ بَِٔايَٰتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ- خداست كه هيچ معبود جز او نيست و زنده [پاينده] است - اين كتاب را در حالي كه مؤيد آنچه [از كتابهاي آسماني] پيش از خود مي باشد به حق بر تو نازل كرد و تورات و انجيل را - پيش از آن براي رهنمود مردم فرو فرستاد و فرقان [جداكننده حق از باطل] را نازل كرد كساني كه به آيات خدا كفر ورزيدند بي ترديد عذابي سخت خواهند داشت و خداوند شكست ناپذير و صاحب انتقام است}

{ كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ إِلَيْكَ مُبَٰرَكٌ لِّيَدَّبَّرُوٓا۟ ءَايَٰتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُو۟لُوا۟ الْأَلْبَٰبِ - كتابي مبارك است كه آن را به سوي تو نازل كرده ايم تا در آيات آن بينديشند و خردمندان پند گيرند}

{وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ -و در اين قرآن از هر گونه مثلي براي مردم آورديم باشد كه آنان پندگيرند}

{ وَمَآ أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَٰبَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا۟ فِيهِ وَهُدًي وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ - و ما [اين] كتاب را بر تو نازل نكرديم مگر براي اينكه آنچه را در آن اختلاف كرده اند براي آنان توضيح دهي و [آن] براي مردمي كه ايمان ميآورند رهنمود و رحمتي است}

{ ذَٰلِكَ الْكِتَٰبُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًي لِّلْمُتَّقِينَ - اين است كتابي[قرآن] كه در [حقانيت] آن هيچ ترديدي نيست [و] مايه هدايت تقواپيشگان است} قرآن منحصر به دوران جاهليت نيست براي تشخيص حق ازباطل درهمه زمانها ومكانها نازل شده ؛معجزه اي كه بحمدالله قابل دسترس براي همگيست ولي متاسفانه درعالم شيعه جنبه هاي غير دارد!

{ وَقَالَ الرَّسُولُ يَٰرَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا۟ هَٰذَا الْقُرْءَانَ مَهْجُورًا - وپيامبرگفت پروردگارا قوم من اين قرآن را رها كردند}

آيات قرآن كريم در وصف وظايف-اختيارات وامتيازات رسول الله(ص) وديگر انبياء (ع) :

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَي النَّبِيِّ يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا۟ صَلُّوا۟ عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا - خدا وفرشتگانش بر پيامبر درود مي فرستند اي كساني كه ايمان آورده ايد براودرود فرستيد وبه فرمانش بخوبي گردن نهيد {اللهم صل علي محمد وآل محمد}

صفحه 424سوره احزاب آيه 45: يَٰٓأَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ شَٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا - اي پيامبر ما تو را گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستاديم

صفحه290 سوره اسراء آيه 79 : وَمِنَ الَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَيٰٓ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا - و پاسي از شب را زنده بدار تا براي تو [به منزله] نافله اي باشد اميد كه پروردگارت تو را به مقامي ستوده برساند

صفحه458 سوره زمرآيه 2: إِنَّآ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ الْكِتَٰبَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ - ما كتاب را به حق به سوي تو فرود آورديم پس خدا را در حالي كه اعتقاد [خود] را براي او خالص كننده اي عبادت كن

صفحه221سوره هود آيه 2: أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ - كه جز خدا را نپرستيد به راستي من(رسول الله) از جانب او براي شما(فقط)هشداردهنده و بشارتگرم

صفحه473سوره غافرآيه55: فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَٰرِ - پس صبر كن كه وعده خدا حق است و براي گناهت آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت شامگاهان و بامدادان ستايشگر باش

هدف انبياء رهنمود كردن انسانها به سوي خداوند بوده؛آيا شيعه با انغماسي كه درتوصيف انبياء واولياء الهي به خرج داده هدفشان را تحريف نكرده؟

 صفحه503 سوره احقاف آيه9: قُلْ مَا كُنتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَآ أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَيٰٓ إِلَيَّ وَمَآ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ-

- بگو من از [ميان] پيامبران نودرآمدي نبودم و نمي دانم با من و با شما چه معامله اي خواهد شد جز آنچه را كه به من وحي مي شود پيروي نمي كنم و من جز هشداردهنده اي آشكار [بيش] نيستم

صفحه474سوره غافرآيه66 : قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَآءَنِيَ الْبَيِّنَٰتُ مِن رَّبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَٰلَمِينَ - بگو من نهي شده ام از اينكه جز خدا كساني را كه [شما] مي خوانيد پرستش كنم [آن هم] هنگامي كه از جانب پروردگارم مرا دلايل روشن رسيده باشد و مامورم كه فرمانبر پروردگار جهانيان باشم

صفحه 477سوره فصلت آيه 6: قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَيٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَاسْتَقِيمُوٓا۟ إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ- بگو من بشري چون شمايم جز اينكه به من وحي مي شود كه خداي شما خدايي يگانه است پس مستقيما به سوي او بشتابيد و از او آمرزش بخواهيد و واي بر مشركان

صفحه573سوره جن : قُلْ إِنَّمَآ أَدْعُوا۟ رَبِّي وَلَآ أُشْرِكُ بِهِۦٓ أَحَدًا(20)قُلْ إِنِّي لَآ أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا(21)قُلْ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا(22)إِلَّا بَلَٰغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَٰلَٰتِهِ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا(23)حَتَّيٰٓ إِذَا رَأَوْا۟ مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا(24)قُلْ إِنْ أَدْرِيٓ أَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّيٓ أَمَدًا(25)عَٰلِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيٰ غَيْبِهِۦٓ أَحَدًا(26)- بگو من تنها پروردگار خود را مي خوانم و كسي را با او شريك نمي گردانم-بگو من براي شما اختيار زيان و هدايتي را ندارم-بگو هرگز كسي مرا در برابر خدا پناه نمي دهد و هرگز پناهگاهي غير از او نمي يابم-[وظيفه من] تنها ابلاغي از خدا و [رساندن] پيامهاي اوست و هر كس خدا و پيامبرش را نافرماني كند قطعا آتش دوزخ براي اوست و جاودانه در آن خواهند ماند- تا آنچه را وعده داده مي شوند ببينند آنگاه دريابند كه ياور چه كسي ضعيف تر و كدام يك شماره اش كمتر است-بگو نمي دانم آنچه را كه وعده داده شده ايد نزديك است يا پروردگارم براي آن زماني نهاده است-داناي نهان است و كسي را بر غيب خود آگاه نميكند

صفحه126 سوره مائده آيه109: يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَآ أُجِبْتُمْ قَالُوا۟ لَا عِلْمَ لَنَآ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ الْغُيُوبِ- [ياد كن] روزي را كه خدا پيامبران را گرد مي آورد پس مي فرمايد چه پاسخي به شما داده شد مي گويند ما را هيچ دانشي نيست تويي كه داناي رازهاي نهاني

 صفحه257سوره ابراهيم آيه11: قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَيٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَآ أَن نَّأْتِيَكُم بِسُلْطَٰنٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَي اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ- پيامبرانشان به آنان گفتند ما جز بشري مثل شما نيستيم ولي خدا بر هر يك از بندگانش كه بخواهد منت مينهد و ما را نرسد كه جز به اذن خدا براي شما حجتي بياوريم و مؤمنان بايد تنها بر خدا توكل كنند

 صفحه191سوره توبه آيه31: اتَّخَذُوٓا۟ أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَٰنَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَآ أُمِرُوٓا۟ إِلَّا لِيَعْبُدُوٓا۟ إِلَٰهًا وَٰحِدًا لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَٰنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ- اينان دانشمندان و راهبان خود و مسيح پسر مريم را به جاي خدا به الوهيت گرفتند با آنكه مامور نبودند جز اينكه خدايي يگانه را بپرستند كه هيچ معبودي جز او نيست منزه است او از آنچه [با وي] شريك مي گردانند

 انبياء واولياء الهي معلم والگو يا واسطه ي عبادت؟

صفحه493 سوره زخرف آيه59: إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَٰهُ مَثَلًا لِّبَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ - [عيسي] جز بنده اي كه بر وي منت نهاده و او را براي فرزندان اسرائيل سرمشق [و آيتي] گردانيده ايم نيست

صفحه127سوره مائده آيه116: وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَٰعِيسَي ابْنَ مَرْيَمَ ءَأَنتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَٰنَكَ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِن كُنتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَآ أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ الْغُيُوبِ- و [ياد كن] هنگامي را كه خدا فرمود اي عيسي پسر مريم آيا تو به مردم گفتي من و مادرم را همچون دو خدا به جاي خداوند بپرستيد گفت منزهي تو مرا نزيبد كه [در باره خويشتن] چيزي را كه حق من نيست بگويم اگر آن را گفته بودم قطعا آن را مي دانستي آنچه در نفس من است تو مي داني و آنچه در ذات توست من نمي دانم چرا كه تو خود داناي رازهاي نهاني

صفحه60سوره آل عمران : مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا۟ عِبَادًا لِّي مِن دُونِ اللَّهِ وَلَٰكِن كُونُوا۟ رَبَّٰنِيِّۦنَ بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمْ تَدْرُسُونَ(79)وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَن تَتَّخِذُوا۟ الْمَلَٰٓئِكَةَ وَالنَّبِيِّۦنَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُم بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ(80)-هيچ بشري را نسزد كه خدا به او كتاب و حكم و پيامبري بدهد سپس او به مردم بگويد به جاي خدا بندگان من باشيد بلكه به سبب آنكه كتاب [آسماني] تعليم مي داديد و از آن رو كه درس مي خوانديد علماي دين باشيد-و [نيز] شما را فرمان نخواهد داد كه فرشتگان و پيامبران را به خدايي بگيريد آيا پس از آنكه سر به فرمان [خدا] نهاده ايد [باز] شما را به كفر وامي دارد

صفحه133سوره انعام آيه 50: قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَآئِنُ اللَّهِ وَلَآ أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَآ أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَيٰٓ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَيٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ-بگو به شما نمي گويم گنجينه هاي خدا نزد من است و غيب نيز نمي دانم و به شما نمي گويم كه من فرشته ام جز آنچه را كه به سوي من وحي مي شود پيروي نمي كنم بگو آيا نابينا و بينا يكسان است آيا تفكر نمي كنيد

صفحه68 سوره آل عمران آيه 144: وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِي۟ن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انقَلَبْتُمْ عَلَيٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ وَمَن يَنقَلِبْ عَلَيٰ عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَئًْا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّٰكِرِينَ- و محمد جز فرستاده اي كه پيش از او [هم] پيامبراني [آمده و] گذشتند نيست آيا اگر او بميرد يا كشته شود از عقيده خود برمي گرديد و هر كس از عقيده خود بازگردد هرگز هيچ زياني به خدا نمي رساند و به زودي خداوند سپاسگزاران را پاداش مي دهد

معيارآيات خداوند يا مذهبي با پيشواياني دست نيافتني !

آيات قرآن كريم در باب شفاعت:

 صفحه133سوره انعام آيه 51: وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوٓا۟ إِلَيٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ - و به وسيله اين [قرآن] كساني را كه بيم دارند كه به سوي پروردگارشان محشور شوند هشدار ده كه غير او {الله}براي آنها يار و شفيعي نيست باشد كه پروا كنند

صفحه7سوره بقره آيه 48: وَاتَّقُوا۟ يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَئًْا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَٰعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ -و بترسيد از روزي كه هيچ كس چيزي [ازعذاب خدا] را از كسي دفع نمي كند و نه از او شفاعتي پذيرفته و نه به جاي وي بدلي گرفته مي شود و نه ياري خواهند شد

صفحه319سوره طه آيه109: يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ الشَّفَٰعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا- در آن روز شفاعت [به كسي] سود نبخشد مگر كسي را كه [خداي] رحمان اجازه دهد و سخنش او را پسند آيد

آيا شيعه قبل از ادعاي مقام شفاعت كنندگي هزاران امامزاده ي مجهول عقوبت ؛ چه سندي بر بهشتي بودنشان دارد؟

أَمِ اتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ اللَّهِ شُفَعَآءَ قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا۟ لَا يَمْلِكُونَ شَئًْا وَلَا يَعْقِلُونَ(43)قُل لِّلَّهِ الشَّفَٰعَةُ جَمِيعًا لَّهُ مُلْكُ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ(44)- آيا غير از خدا شفاعتگراني براي خود گرفته اند بگو آيا هر چند اختيار چيزي را نداشته باشند و نينديشند-بگو شفاعت يكسره از آن خداست فرمانروايي آسمانها و زمين خاص اوست سپس به سوي او باز گردانيده مي شويد

 صفحه555سوره منافقون آيه6: هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُوا۟ عَلَيٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّيٰ يَنفَضُّوا۟ وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِنَّ الْمُنَٰفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ- براي آنان يكسان است چه برايشان آمرزش بخواهي يا برايشان آمرزش نخواهي خدا هرگز بر ايشان نخواهد بخشود خدا فاسقان را راهنمايي نمي كند

صفحه 363 سوره فرقان آيه 43: أَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَيٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا -آيا آن كس كه هواي [نفس] خود را معبود خويش گرفته است ديدي آيا [مي تواني] ضامن او باشي

آية الكرسي: اللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَّهُ مَا فِي السَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضَ وَلَا ئَُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ-خداست كه معبودي جز او نيست زنده و برپادارنده است نه خوابي سبك او را فرو مي گيرد و نه خوابي گران آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است از آن اوست كيست آن كس كه جز به اذن او در پيشگاهش شفاعت كند آنچه در پيش روي آنان و آنچه در پشت سرشان است مي داند و به چيزي از علم او جز به آنچه بخواهد احاطه نمي يابند كرسي او آسمانها وزمين را در برگرفته ونگهداري آنها براو دشوار نيست ووالاي بزرگست

{ فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَٰعَةُ الشَّٰفِعِينَ(48)فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ- و شفاعت شفاعتگران آنها را سود نبخشد!(48)پس چرا از اين تذكار رو گردانند؟}

لااله الاالله لاحول ولا قوة الا بالله؛ طلب شفاعت بي اذن الهي چه مزيتي دارد!

 توسل سنت يا بدعت!

قرآن درصفحه86سوره نساء آيه48 ميفرمايد: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَيٰٓ إِثْمًا عَظِيمًا- مسلما خدا اين را كه به او شرك ورزيده شود نمي بخشايد و غير از آن را براي هر كه بخواهد مي بخشايد و هر كس به خدا شرك ورزد به يقين گناهي بزرگ بربافته است

ازاين روعقل حكم ميكند كه نسبت به چنين مهمي با حساسيت وظرافت تمام برخورد كنيم

شيعه توسل را طلب شفاعتي- تقربي -وساطتي براي رفع حاجتي عنوان ميكند؛آيات قرآن دراين مورد ميفرمايد:

صفحه210سوره يونس آيه18: وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبُِّٔونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَٰنَهُ وَتَعَٰلَيٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ- و به جاي خدا چيزهايي را مي پرستند كه نه به آنان زيان مي رساند و نه به آنان سود مي دهد و مي گويند اينها نزد خدا شفاعتگران ما هستند بگو آيا خدا را به چيزي كه در آسمانها و در زمين نمي داند آگاه مي گردانيد او پاك و برتر است از آنچه [با وي] شريك مي سازند

درصفحه458 سوره زمرآيه3 ميفرمايد: أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَي اللَّهِ زُلْفَيٰٓ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَٰذِبٌ كَفَّارٌ- آگاه باشيد آيين پاك از آن خداست و كساني كه به جاي او اوليائي براي خود گرفته اند [به اين بهانه كه] ما آنها را جز براي اينكه ما را هر چه بيشتر به خدا نزديك گردانند نمي پرستيم البته خدا ميان آنان در باره آنچه كه بر سر آن اختلاف دارند داوري خواهد كرد در حقيقت خدا آن كسي را كه دروغ پرداز ناسپاس است هدايت نمي كند

صفحه120سوره مائده آيه76:قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَالَايَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّاوَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَالسَّمِيعُ الْعَلِيمُ- بگوآياغيرازخداچيزي راكه اختيار زيان وسود شما را ندارد مي پرستيد وحال آنكه خداوند شنواي داناست

اتمام حجت آيات قرآن جاي هيچگونه عذري باقي نگذاشته بدونه هيچ استثنايي با صراحت ما را ازغيرالله نهي كرده وآن را شرك ناميده؛آيا شيعه رسول الله(ص)واهل بيتش وامامزاده ها؛ را غيرالله نميداند كه ايشان را ميخوانند؟

صفحه414سوره فرقان آيه30 : ذلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَٰطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِير- اين[ها همه] دليل آن است كه خدا خود حق است و غير از او هر چه را كه مي خوانند باطل است و خدا همان بلندمرتبه بزرگ است

صفحه 287سوره اسراء آيه 57: أُو۟لَٰٓئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَيٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا- آن كساني را كه ايشان مي خوانند [خود] به سوي پروردگارشان تقرب مي جويند [تا بدانند] كدام يك از آنها [به او] نزديكترند و به رحمت وي اميدوارند و از عذابش مي ترسند چرا كه عذاب پروردگارت همواره در خور پرهيز است

صفحه175 سوره اعراف آيه 194: إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا۟ لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ -در حقيقت كساني را كه به جاي خدا مي خوانيد بندگاني امثال شما هستند پس آنها را [در گرفتاريها] بخوانيد اگر راست مي گوييد بايد شما را اجابت كنند

صفحه502سوره احقاف: قُلْ أَرَءَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا۟ مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَٰوَٰتِ ائْتُونِي بِكِتَٰبٍ مِّن قَبْلِ هَٰذَآ أَوْ أَثَٰرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ(4)وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا۟ مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَيٰ يَوْمِ الْقِيَٰمَةِ وَهُمْ عَن دُعَآئِهِمْ غَٰفِلُونَ(5)- -بگو به من خبر دهيد آنچه را به جاي خدا فرا مي خوانيد به من نشان دهيد كه چه چيزي از زمين [را] آفريده يا [مگر] آنان را در [كار] آسمانها مشاركتي است اگر راست مي گوييد كتابي پيش از اين يا بازمانده اي از دانش نزد من آوريد-و كيست گمراه تر از آن كس كه به جاي خدا كسي را مي خواند كه تا روز قيامت او را پاسخ نمي دهد و آنها از دعايشان بي خبرند

قرآن نسبت به سرگرداني بندگاني كه درطلب حاجت ميان جمعيت انبوهي ازاشخاص وزيارتگاهها سرگردانند درصفحه240 سوره يوسف آيه39اززبان حضرت يوسف ميفرمايد: يَٰصَيٰحِبَيِ السِّجْنِ ءَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَٰحِدُ الْقَهَّارُ- اي دورفيق زندانيم آيا خدايان پراكنده بهترند يا خداي يگانه مقتدر

اگرشيعه معاصر با حياط رسول الله(ص) زندگي ميكرد به چه كسي متوسل ميشد؟ {لَّن يَسْتَنكِفَ الْمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبْدًا لِّلَّهِ وَلَا الْمَلَٰٓئِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَن يَسْتَنكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا- مسيح از اينكه بنده خدا باشد هرگز ابا نمي ورزد و فرشتگان مقرب [نيز ابا ندارند] و هر كس از پرستش او امتناع ورزد و بزرگي فروشد به زودي همه آنان را به سوي خود گرد مي آورد}

 آيا نخستين بشر به چه كسي متوسل ميشد؟ آيا توسل نوعي نقصان قائل شدن براي خداوند سبحان نيست؟ {يُولِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّي ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِير- شب رابه روز درمي آورد و روز را به شب درمي آورد و آفتاب و ماه را تسخير كرده است هريك تا هنگامي معين روانند اين است خدا پروردگار شما فرمانروايي از آن اوست و كساني را كه بجز اومي خوانيد مالك پوست هسته خرمايي نيستند}

دوران جاهليت بتها مورد پرستش وواسطه عبادت بودند؛آيا شيعه دعوتگران به يكتاپرستي را جايگزين كرده؟ {لَّقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوٓا۟ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَئًْا إِنْ أَرَادَ أَن يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ وَاللَّهُ عَلَيٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ-كساني كه گفتند خدا همان مسيح پسر مريم است مسلما كافر شده اند بگو اگر [خدا] اراده كند كه مسيح پسر مريم و مادرش و هر كه را كه در زمين است جملگي به هلاكت رساند چه كسي در مقابل خدا اختياري دارد فرمانروايي آسمانها و زمين و آنچه ميان آن دو است از آن خداست هر چه بخواهد مي آفريند و خدا بر هر چيزي تواناست}

 تقرب به درگاه الهي در متوسل شدن هر چه بهتربه فروع دين مقدورميباشد {ياأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا۟ اتَّقُوا۟ اللَّهَ وَابْتَغُوٓا۟ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُوا۟ فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ- اي كساني كه ايمان آورده ايد از خدا پروا كنيد و به او [توسل و] تقرب جوييد ودرراهش جهاد كنيد باشد كه رستگار شويد}

آيا شيعه با بسط دادن توسل به اشخاص وقبوراولين ومهمترين اصل ازاصول همه اديان آسماني ودين اسلام را تحريف نكرده؟ صفحه269سوره نحل:وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَئًْاوَهُمْ يُخْلَقُونَ(20)أَمْوَٰتٌ غَيْرُ أَحْيَآءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ(21) و كساني را كه غير خدا ميخوانند چيزي نميآفرينند در حالي كه خود آفريده مي شوند-مردگانند نه زندگان و نميدانند كي برانگيخته خواهند شد

توسل را جزء اين ميتوان معني كرد كه شيعيان خود را محروم از خداوند ميپندارند{وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا- و خدا همواره بر هر چيزي احاطه دارد} وبا تملقگويي به محضر بندگان مقرب توقع دارند با ميانجيگري مشكلاتشان را با تبعيض خارج ازعدل الهي يا بالاجبار وخارج ازحكمت الهي حل كنند! {أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ - مگر ندانستي كه فرمانروايي آسمانها و زمين از آن خداست و شما جز خدا سرور و ياوري نداريد }

شيعه شرك را باتغييرلغوي به توسل توجيه ازهركس وهر چيزي بت ساخته وحاجت ميطلبند؛ وجامعه را در نوسان خرافاتي(ظلم) يا ناباوري(كفر) قرار داده!

دين وعبادت خالص براي الله تعالي {فقط الله}:

 وَمَآ أُمِرُوٓا۟ إِلَّا لِيَعْبُدُوا۟ اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُوا۟ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُوا۟ الزَّكَوٰةَ وَذَٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ - وفرمان نيافته بودند جز اينكه خدا را بپرستند ودرحالي كه به توحيد گراييده اند دين را براي او خالص گردانند و نماز برپا دارند و زكات بدهند و دين پايدار همين است

آيا با وجود چنين خدايي چه نيازبه واسطه گري وجود دارد؟

صفحه519سوره ق آيه16: وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَٰنَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ- و ما انسان را آفريده ايم و مي دانيم كه نفس او چه وسوسه اي به او مي كند و ما از شاهرگ [او] به او نزديكتريم

 صفحه 28سوره بقره آيه 186 : وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا۟ لِي وَلْيُؤْمِنُوا۟ بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ- وهرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزديكم و دعاي دعاكننده را به هنگامي كه مرا بخواند اجابت مي كنم پس [آنان] بايد فرمان مرا گردن نهند و به من ايمان آورند باشد كه راه يابند

همچنين صفحه474 سوره غافر آيه 60: وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِيٓ أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ- و پروردگارتان فرمود مرا بخوانيد تا شما را اجابت كنم در حقيقت كساني كه ازپرستش من كبر مي ورزند به زودي خوار در دوزخ درمي آيند

 چكيده اين بخش ازمقاله به زباني ساده درآيات زيربيان شده: {أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ: آيا خدا(بتنهايي) كفايت كننده بنده اش نيست؟}

 {حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ - خدا ما را بس است و نيكو حمايتگري است}

 {وَعَلَي اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ- و مؤمنان بايد تنها بر خدا توكل كنند}

 ادعاي جانشيني حضرت علي (ع) وسلسله دوازده گانه امامت الهي !

قرآن در صفحه107سوره مائده آيه 3 دين را تمام شده اعلام ميكند بدونه اينكه جانشيني بعنوان امام-ولي-وصي -خليفه-وزير براي رسول الله(ص)مشخص كرده باشد ونامي ازكسي ذكر كرده باشد!

{ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًي وَلَا كِتَٰبٍ مُّنِيرٍ - و از[ميان] مردم كسي است كه در باره خدا بدون هيچ دانش و بيهيچ رهنمود و كتاب روشني به مجادله ميپردازد} قرآن در صفحه515 سوره فتح آيه29 محمد (ص) را رسول الله عنوان ميكند چرا جهت جلوگيري از اختلاف صراحتا نام حضرت علي رابعنوان جانشين رسول الله(ص)معرفي نكرده؟

 انبياء توصيفي در قرآن تحت هر شرايطي حق را عنوان و وظيفه ي رسالتشان را به سرانجام رساندند درصفحه 119سوره مائده آيه67 خطاب به وظيفه ي رسول الله(ص) ميفرمايد: يآأَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَٰفِرِينَ -اي پيامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوي تو نازل شده ابلاغ كن و اگر نكني پيامش را نرسانده اي و خدا تو را از[گزند] مردم نگاه مي دارد آري خدا گروه كافران راهدايت نمي كند

 چگونه حضرت علي ازقول شيعه در مقابل مرتدين ومنافقين نسبت به وظيفه اي كه مدعي هستند الله تعالي به او محول كرده بود خاموش ماند يا به تعبير شيعه مصلحت انديشي كرد!

 حضرت علي چگونه حدود چند دهه وصيت رسول الله(ص) را به تاخير انداخت ودر آخر هم خلافت را از روي اكراه پذيرفت؛ حضرت حسن چگونه اگرمنصبش الهي بود با صلح به معاويه واگذاركرد!

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنسَٰنُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا - وبه راستي دراين قرآن براي مردم ازهر گونه مثلي آورديم و انسان بيش از هر چيز سر جدال دارد - قرآن اصل وفرع موضوعات مختلفي را تشريح كرده في المثل :

 به يكي ازاصول حقيقي اديان همينطوردين اسلام؛يعني نبوت درآيات زيادي اشاره كرده است صفحه500 سوره جاثيه آيه 16: وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ الْكِتَٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ الطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَي الْعَٰلَمِينَ- و به يقين فرزندان اسرائيل را كتاب [تورات] و حكم و نبوت داديم و از چيزهاي پاكيزه روزيشان كرديم و آنان را بر مردم روزگار برتري داديم

 امام را با زباني ساده وروشن پيشوا مينامد صفحه 19سوره بقره آيه 124: وَإِذِ ابْتَلَيٰٓ إِبْرَٰهِۦمَ رَبُّهُ بِكَلِمَٰتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّٰلِمِينَ - و چون ابراهيم را پروردگارش با كلماتي بيازمود و وي آن همه را به انجام رسانيد [خدا به او] فرمود من تو را پيشواي مردم قرار دادم [ابراهيم] پرسيد از دودمانم [چطور] فرمود پيمان من به بيدادگران نمي رسد

وصفحه289سوره اسراء آيه71: يَوْمَ نَدْعُوا۟ كُلَّ أُنَاسٍۭ بِإِمَٰمِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَٰبَهُ بِيَمِينِهِ فَأُو۟لَٰٓئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَٰبَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا –[ياد كن] روزي را كه هر گروهي را با پيشوايشان فرا مي خوانيم پس هر كس كارنامه اش را به دست راستش دهند آنان كارنامه خود را مي خوانند و به قدر نخك هسته خرمايي به آنها ستم نمي شود

در مواردي فروع دين را هم تشريح كرده درصفحه 85سوره نساء آيه 43ميفرمايد:يآأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَقْرَبُوا۟ الصَّلَوٰةَ وَأَنتُمْ سُكَٰرَيٰ حَتَّيٰ تَعْلَمُوا۟ مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّيٰ تَغْتَسِلُوا۟ وَإِن كُنتُم مَّرْضَيٰٓ أَوْ عَلَيٰ سَفَرٍ أَوْ جَآءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَآئِطِ أَوْ لَٰمَسْتُمُ النِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُوا۟ مَآءً فَتَيَمَّمُوا۟ صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا۟ بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا-اي كساني كه ايمان آورده ايد در حال مستي به نماز نزديك نشويد تا زماني كه بدانيد چه مي گوييد و در حال جنابت مگر اينكه راهگذر باشيد تا غسل كنيد و اگر بيماريد يا در سفريد يا يكي از شما از قضاي حاجت آمد يا با زنان آميزش كرده ايد و آب نيافته ايد پس بر خاكي پاك تيمم كنيد و صورت و دستهايتان را مسح نماييد كه خدا بخشنده و آمرزنده است

\*حال چگونه ممكن است يكي از اصول اعتقادي وادعايي مذهبي يعني امامت كه مختص شيعه ميباشد وضرورتش هيچ گونه تعريفي در قرآن نشده يا به زعم شيعه مبهم اشاره شده!

{ وَالَّذِينَ يُحَآجُّونَ فِي اللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ -و كساني كه در باره خدا پس از اجابت [دعوت] او به مجادله مي پردازند حجتشان پيش پروردگارشان باطل است و خشمي [از خدا] برايشان است و براي آنان عذابي سخت خواهد بود}

امام زمان افسانه يا واقعيت!

شيعه وجود شخصي طويل العمري را مدعيست كه صاحب زمان ومكان مينامدش درضمن ناپيداست ؛ قرآن خطاب به ادعاهاي پوچ ميفرمايد: درصفحه 444 سوره يس آيه 68: وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ -و هر كه را عمر دراز دهيم او را [از نظر] خلقت فروكاسته گردانيم آيا نمي انديشند

صفحه 430سوره سبا آيه22: قُلِ ادْعُوا۟ الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُم مِّن ظَهِيرٍ - بگو كساني را كه جز خدا پنداشته ايد بخوانيد هموزن ذره اي نه در آسمانها و نه در زمين مالك نيستند و در آن دو شركتي ندارند و براي وي از ميان آنان هيچ پشتيباني نيست

صفحه495 سوره زخرف آيه 85 :وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ- و خجسته است كسي كه فرمانروايي آسمانها و زمين و آنچه ميان آن دو است از آن اوست و علم قيامت پيش اوست و به سوي او برگردانيده مي شويد

 آيا سيصد وچند نفر شيعه واقعي در ميان انبوهي از شيعيان وجود نداردتا ظهور كند؛تكليف شيعياني كه ازدنيا رفته وحضورش را درك نكرده اند چه ميشود؟

{ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ(26)وَيَبْقَيٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَٰلِ وَالْإِكْرَامِ(27)هر چه بر [زمين] است فاني شونده است- و ذات باشكوه و ارجمند پروردگارت باقي خواهد ماند }

آيا شيعيان تعجيل درفرج موعودي را انتظار ميكشند كه بيشترين قتل وخونريزي را در زمان ظهورش انجام ميدهد!{وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَٰنًا وَمَا لَيْسَ لَهُم بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ- و به جاي خدا چيزي را ميپرستند كه بر [تاييد] آن حجتي نازل نكرده و بدان دانشي ندارند و براي ستمكاران ياوري نخواهد بود}

امام زمان يكي ديگرازادعاهاي شيعه درغالب نقش پاياني؛سلسله امامتي كه اثباتش ازقرآن وتاريخ صحيح بعهده مدعيانش ميباشد! روايت است كه حضرت حسن عسگري فرزندي نداشته!آيا بنيانگذاران شيعه علاج اين گاف اعتقادي را درمستمسك شدن به حديثي از رسول الله(ص) وخلق شخصيتي افسانه اي همچون مهدي نديدند؟ {فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَيٰ عَلَي اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّٰلِمِينَ- پس كيست ستمكارتر از آنكس كه بر خدا دروغ بندد تا از روي ناداني مردم را گمراه كند آري خدا گروه ستمكاران را راهنمايي نمي كند} ميزان قرآن كريم يا اعتقادا ت موروثي:

{يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَطِيعُوا۟ اللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ الرَّسُولَ وَأُو۟لِي الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَٰزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَي اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْءَاخِرِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا-اي كساني كه ايمان آورده ايد خدا را اطاعت كنيد و پيامبر و اولياي امر خود را [نيز] اطاعت كنيد پس هر گاه در امري [ديني] اختلاف نظر يافتيد اگر به خدا و روز بازپسين ايمان داريد آن را به [كتاب] خدا و [سنت] پيامبر [او] عرضه بداريد اين بهتر و نيك فرجام تراست }

قرآن رسول الله(ص) را بهترين الگومينامد ودر صفحه515حجرات آيه1ميفرمايد: أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُقَدِّمُوا۟ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا۟ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ- اي كساني كه ايمان آورده ايد در برابر خدا و پيامبرش پيشي مجوييد و از خدا پروا بداريد كه خدا شنواي داناست

اما شيعه در توصيف اهل بيت بقدري افراط و اغراق كرده كه درمذهبشان الله تعالي وسنت رسولش محو شده ودر مقابل اهل بيت رأس توجه و داراي مقامي الهي هستند!{ وَلَا تَكُونُوا۟ كَالَّذِينَ نَسُوا۟ اللَّهَ فَأَنسَيٰهُمْ أَنفُسَهُمْ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ الْفَٰسِقُونَ و چون كساني مباشيد كه خدا را فراموش كردند و او [نيز] آنان را دچار خودفراموشي كرد آنان همان نافرمانانند}

اثبات غلوگري شيعه در وصف اهل بيت با توجه به آيات زير:

قرآن علم غيب رامختص الله تعالي ميداند صفحه 383 سوره نمل آيه 65: قُل لَّا يَعْلَمُ مَن فِي السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ - بگو هر كه در آسمانها و زمين است جز خدا غيب را نمي شناسند و نمي دانند كي برانگيخته خواهند شد

قرآن حتي انبياء را ازخطا مصون نميداند صفحه387سوره قصص آيه15: وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَيٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِن شِيعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَٰثَهُ الَّذِي مِن شِيعَتِهِ عَلَي الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَيٰ فَقَضَيٰ عَلَيْهِ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَٰنِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ-وداخل شهر شد بي آنكه مردمش متوجه باشند پس دو مرد را با هم در زد و خورد يافت يكي از پيروان او و ديگري از دشمنانش [بود] آن كس كه از پيروانش بود بر ضد كسي كه دشمن وي بود از او ياري خواست پس موسي مشتي بدو زد و او را كشت گفت اين كار شيطان است چرا كه او دشمني گمراه كننده آشكار است

قرآن دوستي خداوند را برترميداند صفحه25 سوره بقره آيه 165: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ وَلَوْ يَرَي الَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ-وبرخي از مردم در برابر خدا همانندهايي برمي گزينندوآنها را چون دوستي خدا دوست مي دارند ولي كساني كه ايمان آورده اند به خدا محبت بيشتري دارند كساني كه ستم نموده انداگرميدانستند هنگامي كه عذاب را مشاهده كنند تمام نيروازآن خداست وخدا سخت كيفر است

قرآن وحي را فقط مختص انبياء ميداند صفحه 104سوره نساء آيه 163: إِنَّآ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ كَمَآ أَوْحَيْنَآ إِلَيٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّۦنَ مِنۢ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَآ إِلَيٰٓ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَيٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَٰرُونَ وَسُلَيْمَٰنَ وَءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ زَبُورًا - ما همچنانكه به نوح و پيامبران بعد از او وحي كرديم به تو [نيز] وحي كرديم و به ابراهيم و اسماعيل و اسحاق و يعقوب و اسباط و عيسي و ايوب و يونس و هارون و سليمان [نيز] وحي نموديم و به داوود زبور بخشيديم

قرآن محمدرسول الله(ص) را آخرين انبياء معرفي ميكند يعني با رحلتش وحي قطع شده صفحه 423سوره احزاب آيه40: مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّۦنَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا- محمد پدر هيچ يك از مردان شما نيست ولي فرستاده خدا و خاتم پيامبران است و خدا همواره بر هر چيزي داناست

\*حال چگونه در مذهب شيعه ؛اهل بيت مقام وقابليتهايي حتي افزون برانبياء پيدا كردند وانكار چنين اعتقادي با استناد به آيات الهي كفرناميده ميشود! { قُلْ يَٰٓأَهْلَ الْكِتَٰبِ لَا تَغْلُوا۟ فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوٓا۟ أَهْوَآءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا۟ مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا۟ كَثِيرًا وَضَلُّوا۟ عَن سَوَآءِ السَّبِيلِ - بگو اي اهل كتاب در دين خود بناحق گزافه گويي نكنيد و از پي هوسهاي گروهي كه پيش از اين گمراه گشتند و بسياري [از مردم] را گمراه كردند و [خود] از راه راست منحرف شدند نرويد}

قرآن درصفحه573 سوره جن آيه 18ميفرمايد: وَأَنَّ الْمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا۟ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا و مساجد ويژه خداست پس هيچ كس را با خدا مخوانيد - اما شيعه اسماءغيرالله را در مساجد منقوش كرده وميخوانند!

قرآن در صفحه 413سوره لقمان آيه 25ميفرمايد: وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ -و اگر از آنها بپرسي چه كسي آسمانها و زمين را آفريده است مسلما خواهند گفت خدا بگو ستايش از آن خداست ولي بيشترشان نمي دانند- اما شيعه اهل بيت را مدد رسان وامام زمان را صاحب اختيارميپندارند!

قرآن در صفحه204سورهتوبه آيه109 ميفرمايد: أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَٰنَهُ عَلَيٰ تَقْوَيٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَٰنٍ خَيْرٌ أَم مَّنْ أَسَّسَ بُنْيَٰنَهُ عَلَيٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّٰلِمِينَ-آيا كسي كه بنياد خود را بر پايه تقوا و خشنودي خدا نهاده بهتر است يا كسي كه بناي خود را بر لب پرتگاهي مشرف به سقوط پي ريزي كرده و با آن در آتش دوزخ فرو مي افتد و خدا گروه بيدادگران را هدايت نمي كند- اما شيعه قلب امام زمانش را خشنود ميخواهد!

قرآن درصفحه543 سوره مجادله آيه 7ميفرمايد: أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَيٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَآ أَدْنَيٰ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا۟ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا۟ يَوْمَ الْقِيَٰمَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ - آيا ندانسته اي كه خدا آنچه را كه در آسمانها و آنچه را كه در زمين است مي داند هيچ گفتگوي محرمانه اي ميان سه تن نيست مگر اينكه او چهارمين آنهاست و نه ميان پنج تن مگر اينكه او ششمين آنهاست و نه كمتر از اين [عدد] و نه بيشتر مگر اينكه هر كجا باشند او با آنهاست آنگاه روز قيامت آنان را به آنچه كرده اند آگاه خواهد گردانيد زيرا خدا به هر چيزي داناست – آيا امام زمان شيعه قادراست دريك زمان دومكان حضور داشته واهل بيت ميتوانند دريك زمان حداقل متوجه دو نفر از زائرانشان باشند؟

قرآن در درصفحه226و227سوره هود ميفرمايد: وَنَادَيٰ نُوحٌ رَّبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنتَ أَحْكَمُ الْحَٰكِمِينَ(45) قَالَ يَٰنُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَٰلِحٍ فَلَا تَسَْٔلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّيٓ أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ الْجَٰهِلِينَ(46)قَالَ رَبِّ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسَْٔلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِيٓ أَكُن مِّنَ الْخَٰسِرِينَ(47)-

-و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت پروردگارا پسرم از كسان من است و قطعا وعده تو راست است و تو بهترين داوراني - فرمود اي نوح او در حقيقت از كسان تو نيست او كرداري ناشايسته است پس چيزي را كه بدان علم نداري از من مخواه من به تو اندرز مي دهم كه مبادا از نادانان باشي - گفت پروردگارا من به تو پناه مي برم كه از تو چيزي بخواهم كه بدان علم ندارم و اگر مرا نيامرزي و به من رحم نكني از زيانكاران باشم -

-اما شيعه اماكن كثيري را به اهل بيت ونوادگان-محل قدم زدن -نظر كردنشان اختصاص داده ومقدس سازي را رواج داده! شيعه احترام يا عدم احترام به پيامبر(ص) واهل بيتش را درچه ميداند؟آيا شيعه نسبت به مقدساتش قادربه رعايت مساوات وعدالت ميباشد؟ -

- بارگاهسازي اگرجايز بود چرا انبياء موخرنسبت به قبورانبياء مقدم؛همينطور حضرت علي در زمان خلافتش نسبت به قبر حضرت زهرا چنين اقدامي نكردند و مناسبتهاي تولد و وفات! {وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا- و در سنت الهي هرگز تغييري نخواهي يافت}-

-آيا معارف وسفارش- حياط ومرگ اهل بيت بزرگواري كه شيعه خود را پيروايشان ميداند؛ جزء دربندگي خالصانه الله متعال- پيروي ازقرآن وسنت رسول الله(ص) بوده؟

 { يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَطِيعُوا۟ اللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوٓا۟ أَعْمَٰلَكُمْ - اي كساني كه ايمان آورده ايد خدا را اطاعت كنيد واز پيامبراطاعت نماييد و كرده هاي خود را تباه مكنيد}

-آيا شيعه درلواي نام وحب اهل بيت به دين جدّشان خيانت نكرده ؟

قرآن درصفحه 529 و530سوره قمر آيات17- 22-32-40 مكرراً ميفرمايد: وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ- و قطعا قرآن را براي پندآموزي آسان كرده ايم پس آيا پندگيرنده اي هست - اما شيعه كتاب مبيني كه براي هدايت بشريت نازل شده را قابل فهم براي عموم نميداند!

قرآن در صفحه 50سوره آل عمران آيه 7ميفرمايد: هُوَ الَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَٰبَ مِنْهُ ءَايَٰتٌ مُّحْكَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَٰبِ وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنْهُ ابْتِغَآءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَآءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّٰسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِندِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُو۟لُوا۟ الْأَلْبَٰبِ-اوست كسي كه اين كتاب [=قرآن] را بر تو فرو فرستاد پاره اي از آن آيات محكم [=صريح و روشن] است آنها اساس كتابند و [پاره اي] ديگر متشابهاتند [كه تاويل پذيرند] اما كساني كه در دلهايشان انحراف است براي فتنه جويي و طلب تاويل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پيروي مي كنند با آنكه تاويلش را جز خدا و ريشه داران در دانش كسي نمي داند [آنان كه] مي گويند ما بدان ايمان آورديم همه [چه محكم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان كسي متذكر نمي شود - - شيعه لاجرم ميان آيات وروايات درپي دستاويزي است؛ازاين روي بدونه توجه به شآن نزول آيات تصديق باورهايش را به آياتي ربط ميدهد كه ازواژگاني كلي استفاده شده ودرتفاسيرش ميگنجاند ؛آيا به گمان شيعه ظاهر وباطن آيات ميتواند درتضادهم باشد؟

قرآن صفحه262سوره حجرآيه9 ميفرمايد: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَٰفِظُونَ - بي ترديد ما اين قرآن را به تدريج نازل كرده ايم و قطعا نگهبان آن خواهيم بود- اما سردمداراني از شيعه مدعي تحريف رفتن قرآن كريم هستند! قرآن در صفحه 12سوره بقره آيه 79ميفرمايد: فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَٰبَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنْ عِندِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا۟ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا يَكْسِبُونَ- پس واي بر كساني كه كتاب [تحريف شده اي] با دستهاي خود مي نويسند سپس مي گويند اين از جانب خداست تا بدان بهاي ناچيزي به دست آرند پس واي بر ايشان از آنچه دستهايشان نوشته و واي بر ايشان از آنچه [از اين راه] به دست مي آورند - اما شيعه با رواج كتبي(مفاتيح الجنان) بخشي از سوره هاي مقدس قرآن را با دستنوشته هايي شرك آلود در آميخته واصل كتاب خدا را در حاشيه قرار دادند!

قابل توجه روضه خوانان وغيره عزاداريتان اعتراض به چيست صفحه 68 سوره آل عمران آيه 145ميفرمايد:وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَٰبًا مُّؤَجَّلًا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الْءَاخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّٰكِرِينَ-وهيچ نفسي جز به فرمان خدا نميرد [خداوند مرگ را] به عنوان سرنوشتي معين [مقرر كرده است] و هر كه پاداش اين دنيا را بخواهد به او از آن مي دهيم و هر كه پاداش آن سراي را بخواهد از آن به او مي دهيم و به زودي سپاسگزاران را پاداش خواهيم داد

قرآن در صفحه 97سوره نساء آيه116 ميفرمايد:إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا- خداوند اين را كه به او شرك آورده شود نمي آمرزد و فروتر از آن را بر هر كه بخواهد مي بخشايد و هر كس به خدا شرك ورزد قطعا دچار گمراهي دور و درازي شده است – اين آيه بروشني حق الله را اعلي ميداند؛ اما درفرهنگ شيعه اولويت با حق الناس القاء شده و متاسفانه حق خداوند را به ورطه ي سوداگري كشاندند!

درسراسرآيات قرآن همين يك آيه به موضوع خمس اشاره كرده وآنرا متعلق به غنايم ميداند:

درصفحه 182 سوره انفال آيه 41ميفرمايد: وَاعْلَمُوٓا۟ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَيٰ وَالْيَتَٰمَيٰ وَالْمَسَٰكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ ءَامَنتُم بِاللَّهِ وَمَآ أَنزَلْنَا عَلَيٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَي الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَيٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ- وبدانيد كه هر چيزي را به غنيمت گرفتيد يك پنجم آن براي خدا و پيامبروبراي خويشاوندان و يتيمان و بينوايان ودرراه ماندگان است اگر به خدا وآنچه بربنده خود درروزجدايي روزي كه آن دوگروه باهم روبروشدندنازل كرديم ايمان آورده ايدوخدا برهرچيزي تواناست - اما فقط روحانيون شيعه يك پنجم درآمد پيروانشان را بنام دين ميگيرند!

قرآن صداقت را فضيلت ميداند؛وشيعه از حضرت علي نقل ميكند كه حق را گو گرچه تلخ باشد؛اما بخشي ازاعتقاداتش تقيه يا همان دروغ ميباشد!

قرآن نه ظلم كردن ونه ظلم پذيرفتن را جايزميداند؛ اما شيعه زندگي اهل بيت را سراسرمظلوميت ومحروميت معرفي كرده وآن را يك ارزش ميداند

قرآن در صفحه 553سوره جمعه آيه 5ميفرمايد:

 مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا۟ التَّوْرَيٰةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًۢا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بَِٔايَٰتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّٰلِمِينَ –مثل كساني كه [عمل به] تورات برآنان بار شد[و بدان مكلف گرديدند] آنگاه آن را به كار نبستند همچون مثل خري است كه كتابهايي را برپشت مي كشد چه زشت است وصف آن قومي كه آيات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را راه نمي نمايد}- اما عده اي از علماء فقط موعظه ميكنند! قرآن در صفحه 193سوره توبه آيه38ميفرمايد: أَرَضِيتُم بِالْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا مِنَ الْءَاخِرَةِ فَمَا مَتَٰعُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا فِي الْءَاخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ- آيا به جاي آخرت به زندگي دنيا دل خوش كرده ايد متاع زندگي دنيا در برابر آخرت جز اندكي نيست- اما دنيا بقدري جدي گرفته شده كه اموري معنوي هم تبليغاتي وتشريفاتي شده!

ميفرمايد: اعْلَمُوٓا۟ أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ- بدانيد كه خدا سخت كيفر است و [بدانيد] كه خدا آمرزنده مهربان است؛ وسرانجام :لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا-خداوند هيچ كس را جز به قدر توانايي اش تكليف نمي كند- اما عده اي مفرط دين گريزي را رواج ميدهند!

 قرآن پاداش اخروي را در سايه ايمان وعمل صالح ميداند درصفحه 10سوره بقره آيه 62ميفرمايد: إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَالَّذِينَ هَادُوا۟ وَالنَّصَٰرَيٰ وَالصَّٰبِِٔينَ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْءَاخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ در حقيقت كساني كه ايمان آورده و كساني كه يهودي شده اند و ترسايان و صابئان هر كس به خدا و روز بازپسين ايمان داشت وكار شايسته كرد پس اجرشان را پيش پروردگارشان خواهند داشت و نه بيمي بر آنان است ونه اندوهناك خواهند شد-اما شيعه بهشت رادرگرو پذيرفتن اعتقادات مذهبي اش ميداند

قرآن درصفحه418سوره احزاب آيه6 ميفرمايد: النَّبِيُّ أَوْلَيٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَٰجُهُ أُمَّهَٰتُهُمْ- پيامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزديكتر] است و همسرانش مادران ايشانند- اما شيعه به عايشه اهانت ميكند!

قرآن درصفحه 513سوره فتح آيه18 ميفرمايد: لَّقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَٰبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا -به راستي خدا هنگامي كه مؤمنان زير آن درخت با تو بيعت مي كردند از آنان خشنود شد و آنچه دردلهايشان بود بازشناخت وبرآنان آرامش فرو فرستاد و پيروزي نزديكي به آنها پاداش داد- اما شيعه برخلاف خشنودي الله تعالي از صحابه رسول الله (ص)؛عده اي از صحابه(ابوبكر-عمر-عثمان) را مرتد ميخواند! أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَٰكِمِينَ : آيا خدا نيكوترين داوران نيست؟

قرآن در صفحه20 سوره بقره آيه 134 در مورد قضاوتهاي بيجا ميفرمايد: تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسَْٔلُونَ عَمَّا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ- آن جماعت را روزگار به سر آمد دستاورد آنان براي آنان و دستاورد شما براي شماست و از آنچه آنان مي كرده اند شما بازخواست نخواهيد شد -اما شيعه نه تنها نسبت به گذشتگان برمسند قضاوت مينشيند بلكه اجحاف ميكند!

قرآن درصفحه 63سوره آل عمران آيه103 ميفرمايد:وَاعْتَصِمُوا۟ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا۟ وَاذْكُرُوا۟ نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَآءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِۦٓ إِخْوَٰنًا وَكُنتُمْ عَلَيٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ-و همگي به ريسمان خدا چنگ زنيد و پراكنده نشويد و نعمت خدا را بر خود ياد كنيد آنگاه كه دشمنان [يكديگر] بوديد پس ميان دلهاي شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شديد و بر كنار پرتگاه آتش بوديد كه شما را از آن رهانيد اين گونه خداوند نشانه هاي خود را براي شما روشن مي كند باشد كه شما راه يابيد - پس از رحلت رسول الله(ص) به لطف خداوند اتحاد وهمدلي ميان صحابه باعث پيشروي اسلام شد اما شيعه برخلاف واقع جو را سراسر خيانت ونفاق روايت ميكند!

آيا همچنان عده اي به تمثيل كلام الله{صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَايَرْجِعُونَ-كرندلالند كورند بنابراين به راه نمي آيند} روايات مغاير شيعه :

شيعه غديرخم را دليلي براي اثبات جانشيني حضرت علي ميداند؛اگر رسول الله(ص)قصد معرفي جانشين داشت معقول نبود در مكه ميان جمعيت انبوه امت اسلامي وهمه قبايل عربي كه از اقصي نقاط شبه جزيره عربستان در مراسم حج اجتماع كرده بودند اين معارفه را انجام ميداد ؛همچنين اگرجانشيني براي خود تايين كرده بود؛ صحابه فداكاري كه بالغ بربيست وچندي سال درسختترين شرايط اورا درمقابل كفار-مشركين حتي خويشاوندان نزديكشان ياري رساندند؛چرا نبايدجانشينش را مدد ميرساندند؟

شيعه شخصيت حضرت علي را ازيك طرف اسطوره اي واز طرفي ديگر ترسو وبي اراده به تصويركشيده: به فرض مثال اگر داستان غصب خلافت- مضروب شدن وكشته شدن حضرت زهرا واقعيت تاريخي داشت فاتح خيبرحداقل درمقام دفاع ازناموسش چگونه از حد يك انسان معمولي هم ناتوانتربوده!

-جماعتي كه خود رامريد حضرت علي ميداند چه ظلمي درحقش روا داشته:

 راستی از دیگران میخواستی میزدی خود، پشت پا بر راستی دیگر ای گندم نمای جو فروش با ردای عجب، عیب خود مپوش (پروين اعتصامي)

شيعه مدعي است كه پيروسنت ميباشد آيا عقلاني است كه سنت رسول الله(ص)را ازصحابه اش نپذيرفت درعوض از منابع وجماعتي طلب كرد كه ازبعد زماني وجغرافيايي با حياط پيامبرفاصله دارد!

ناگفته هايي از تاريخ : { وَقُلْ جَآءَالْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَٰطِلُ إِنَّ الْبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقًا - وبگوحق آمد وباطل نابود شد آري باطل همواره نابودشدني است}

مذهب شيعه دردوران صفويه به ايران وايراني تحميل شد قبل از صفويه اكثريت ايران اهل سنت وجماعت بود صحت اين موضوع درمناطق خارج از كنترل همچون شهرهاي مرزي وآثار مشاهير قبل از صفوي مشهود است!

که خورشید بعد از رسولان مه نتابید بر کس ز بوبکر به عمر کرد اسلام را آشکار بیاراست گیتی چو باغ بهار

پس از هر دو آن بود عثمان گزین خداوند شرم و خداوند دین چهارم علی بود و جفت بتول که او را به خوبی ستاید رسول صحابان او جمله اخیر بودنند همه هر یکی همچو اختر بودنند "حکیم ابوالقاسم فردوسی"

دشمني عده اي نسبت به اسلام ورسول الله(ص) بذرباورهايي كه نشأت گرفته از يهوديت تحريف شده بود را درميان امت اسلامي كاشت؛ رشد چنين باورهايي مذهبي را رسميت داد البته توسط نژادي كه تصور ميكرد ازسوي اعراب تحقير شده ؛وازآن بنام شيعه صفوي ياد ميشود!{ يَٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَيٰ وَجَعَلْنَٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓا۟ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَيٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ –اي مردم ما شما را از مرد و زني آفريديم و شما راملت ملت وقبيله قبيله گردانيديم تا با يكديگر شناسايي متقابل حاصل كنيد درحقيقت ارجمندترين شما نزد خداپرهيزگارترين شماست بي ترديد خداوند داناي آگاه است}

در بين مسلمانان جهان مذاهب شيعي مدعي سلسله امامت و وجود امامي خاتم هستند!شيعه فرقه هاي متعددي داردكه همه فرقه ها حداقل جمعيت مسلمانان جهان را تشكيل ميدهند هر فرقه هم اعتقادات -امامان وامام زمان خود را دارد {مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا۟ دِينَهُمْ وَكَانُوا۟ شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍۭ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ-ازكساني كه دين خود را قطعه قطعه كردند وفرقه فرقه شدندهرحزبي بدانچه پيش آنهاست دلخوش شدن}

\*شيعه اصول وفروع دين را با بدعتگزاري تحريف كرده:تحريف توحيد با بدعت توسل وامام زمان-تحريف نبوت با بدعت امامت-تحريف معاد با بدعت پيش داوري- تحريف مراسم حج با بدعت عتبات عاليات- تحريف زكات با بدعت خمس-تحريف مساجد با بدعت امامزاده ها وحسينيه ها وجمكران-تحريف ازدواج دائم با بدعت صيغه- بدعت نذر بنام غير الله و...

{ وَلَا تَلْبِسُوا۟ الْحَقَّ بِالْبَٰطِلِ وَتَكْتُمُوا۟ الْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ - وحق را به باطل درنياميزيد و حقيقت را با آنكه خود مي دانيد كتمان نكنيد}

مذهبي كه برخلاف قرآن وسنت رسول الله(ص)عمل نميكند حداقل درظاهر؛واكثريت جمعيت مسلمانان جهان را شكل ميدهد اهل سنت وجماعت يا همان سني مذهبان ميباشند؛شيعه انصافاَ چرا ايشان را گمراه ودشمن اهل بيت ميخواند!

البته ملاك حقانيت اهل سنت وجماعت دركثرتشان نيست؛زيرا :{الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُو۟لَٰٓئِكَ الَّذِينَ هَدَيٰهُمُ اللَّهُ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ أُو۟لُوا۟الْأَلْبَٰبِ-آن بندگاني كه سخن رامي شنوند و نيكوترين آن راعمل ميكنند آنان هستند كه خداهدايتشان كرده وآنان خردمندانند}

{[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com){

آپولوژيست هاي شيعه بدوراز سفسطه گري درشرايطي عدم بطلان مذهب اقليتشان را بايد اثبات كند كه درتعارض با كلام الهي- عقل- تاريخ وازجانب اكثريتي كه اصل اسلام را وامدارشان است متهم به رافضي گري ومطرود شده اند

{إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا۟ عَلَيٰٓ أَدْبَٰرِهِم مِّنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَي الشَّيْطَٰنُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَيٰ لَهُمْ- بي گمان كساني كه پس از آنكه [راه] هدايت بر آنان روشن شد [به حقيقت] پشت كردند شيطان آنان را فريفت و به آرزوهاي دور و درازشان انداخت}

اسلام دين حق وعدالت:

 معجزه قرآن{ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْءَانَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا۟ فِيهِ اخْتِلَٰفًا كَثِيرًا - آيا در [معاني] قرآن نمي انديشند اگر از جانب غير خدا بود قطعا در آن اختلاف بسياري مي يافتند }

 تازگي هميشگي آيات{ وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَيٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا۟ بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا۟ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ- و اگر در آنچه بر بنده خود نازل كرده ايم شك داريد پس اگر راست مي گوييد سوره اي مانند آن بياوريد و گواهان خود را غير خدا فرا خوانيد}

پريشاني جامعه { أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ - اما آگاه باش كه با ياد خدا دلها آرامش مييابد}

دنيا{أَمْ خُلِقُوا۟ مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَٰلِقُونَ-آيا ازهيچ خلق شده اند يا آنكه خودشان خالق [خود] هستند}

نعمت{ قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَآؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَآءٍ مَّعِينٍۭ-بگو به من خبر دهيد اگر آب [آشاميدني] شما فرو رود چه كسي آب روان برايتان خواهد آورد}

مرگ{ كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ - هرنفسي چشنده مرگ است آنگاه به سوي ما بازگردانيده خواهيد شد}

 علم{ تَرْجِعُونَهَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ- اگر راست مي گوييد [روح] رابرنمي گردانيد}

رستاخيز{ أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ- مگر از آفرينش نخستين [خود] به تنگ آمديم [نه] بلكه آنها از خلق جديد در شبهه اند}

برخلاف القائات موجود؛ شمشير اسلام را تحميل نكرد: به باور ویلیام مونتگمری وات در وصف حضرت محمد(ص) كه تحمل مشقت‌ها جهت رسیدن به هدفش، زمانی که هیچ توجیه عقلانی برای امیدواری وجود نداشت، صداقت محمد را نشان می‌دهدو فرض عدم صداقت محمد درک ظهور و توسعه اسلام را ناممکن می‌سازد(برگرفته ازويكي پديا)

صفحه 568 سوره الحاقه:فَلَآ أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ(38)وَمَا لَا تُبْصِرُونَ(39)إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ(40)وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ(41)وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ(42)تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَٰلَمِينَ(43)وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ(44)لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ(45)ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ(46)فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَٰجِزِينَ(47)وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ(48)وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ(49)وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَي الْكَٰفِرِينَ(50)وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ(51)فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ(52)-پس نه [چنان است كه مي پنداريد] سوگند ياد مي كنم به آنچه مي بينيد- و آنچه نمي بينيد-كه [قرآن] قطعا گفتار فرستاده اي بزرگوار است-وآن گفتارشاعري نيست [كه] كمتر [به آن] ايمان داريد-و نه گفتار كاهني كمتر پند مي گيريد- فرودآمده اي است از جانب پروردگار جهانيان-واگرپاره اي گفته ها بر ما بسته بود-دست راستش را سخت مي گرفتيم-سپس رگ قلبش را پاره مي كرديم-وهيچ يك از شما مانع از [عذاب] او نمي شد-ودرحقيقت[قرآن] تذكاري براي پرهيزگاران است- وما به راستي مي دانيم كه از[ميان] شما تكذيب كنندگاني هستند-وآن واقعا بر كافران حسرتي است-واين [قرآن] بي شبهه حقيقتي يقيني است-پس به نام پروردگار بزرگت تسبيح گوي

 دين افضل {هُوَ الَّذِيٓ أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَيٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَي الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ- اوست كسي كه فرستاده خود را با هدايت و آيين درست روانه كرد تا آن را بر هر چه دين است فائق گرداند هر چند مشركان را ناخوش آيد}

درطول تاريخ روشهاي مختلفي درمقابل چنين دين برحقي سياست شده:

1- تفرقه افكني ميان امت واحد اسلامي؛ عداوت ميان شيعه وسني مسلمانان را تضعيف واز دشمنان واقعي اسلام غافل كرده است { إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا۟ بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا۟ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ -درحقيقت مؤمنان با هم برادرند پس ميان برادرانتان را سازش دهيد و از خدا پروا بداريد اميد كه مورد رحمت قرار گيريد}

2- پوشاندن لباس دين برتن نا اهلان { بَشِّرِ الْمُنَٰفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا -به منافقان خبر ده كه عذابي دردناك [در پيش] خواهند داشت}

3- تبليغات سوء- برجسته كردن افراطي گريها ودر مقابل حساسيت زدايي توسط رسانه ها { أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا۟ الشَّيْطَٰنَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ - اي فرزندان آدم مگر با شما عهد نكرده بودم كه شيطان را مپرستيد زيرا وي دشمن آشكار شماست}

وكلام آخر...

متاسفانه علم وتكنولوژي فراموشي ارزشها ونخوت را بدنبال داشته ؛چراازفناوري براي دعوت به اسلام – قرآن ونشرهرچه بيشتراين مقاله استفاده نميكنيد؛لطفا اين مقاله را به آشنايان دورونزديكتان ابلاغ كنيد

{ وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَي الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ- و بايد از ميان شما گروهي [مردم را] به نيكي دعوت كنند و به كار شايسته وادارند و از زشتي بازدارندوآنان همان رستگارانند}

كساني كه در گفتن حق اِبا مي ورزند درگناه زير دستانشان شريك خواهند بود! {إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَآ أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَٰتِ وَالْهُدَيٰ مِنۢ بَعْدِ مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَٰبِ أُو۟لَٰٓئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّٰعِنُونَ -كساني كه نشانه هاي روشن و رهنمودي را كه فرو فرستاده ايم بعد از آنكه آن را براي مردم در كتاب توضيح داده ايم نهفته مي دارند آنان را خدا لعنت مي كند و لعنت كنندگان لعنتشان مي كنند}

{إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَآءَ اتَّخَذَ إِلَيٰ رَبِّهِ سَبِيلًا - قطعا اين [آيات]اندرزي است تا هر كه بخواهد به سوي پروردگار خود راهي در پيش گيرد}

{إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ -بيم دادن تو تنها كسي را [سودمند] است كه كتاب حق را پيروي كند و از [خداي] رحمان در نهان بترسد [چنين كسي را] به آمرزش و پاداشي پر ارزش مژده ده}

{وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ- و هر كس روي برتابد خدا همان بي نياز ستوده است}

{وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارًا- و ما آنچه را براي مؤمنان مايه درمان و رحمت است از قرآن نازل مي كنيم و[لي] ستمگران را جز زيان نمي افزايد} سُبْحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ-وَسَلَٰمٌ عَلَي الْمُرْسَلِينَ -وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبّ العالمين. پايان